

اوستا

یسنا، ویسپَرَد، یشت‌ها
ویشناسب‌یشت، سی‌روزه، وندیداد
متن اوستایی، تصحیح و سترگارد

AVESTA

ZENDAVESTA OR RELIGIOUS
BOOKS OF THE ZOROASTRIANS

BY

N. L. WESTERGAARD

THE ZEND TEXTS

VOL 1



نشر برسم

سرشناسه

: وسترگارد، نیلز لوودویگ، ۱۸۱۵ - ۱۸۷۸ م.

Westergaard, N. L. (Niels Ludvig)

عنوان قراردادی : اوستا
عنوان و نام پدیدآور : اوستا = Avesta Zendavesta or religious book of the Zoroastrians
: یسنا، ویسپرد، یشت‌ها، ویشتاسپ یشت... / نویسنده مقدمه نیلز لوودویگ
وسترگارد؛ مترجم مقدمه فریدون فضیلت؛ ویراستار متن اوستایی نیلز لوودویگ
وسترگارد
مشخصات نشر : تهران: نشر برسم، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری : ۵۵۴ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۳۸-۳۱-۳
وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: Avesta Zendavesta or religious book of the Zoroastrians
عنوان دیگر : یسنا، ویسپرد، یشت‌ها، ویشتاسپ یشت...
موضوع : اوستا
شناسه افزوده : فضیلت، فریدون، ۱۳۳۸ - مترجم
شناسه افزوده : Fazilat, Fereidoun
رده‌بندی کنگره : PIR ۱۶۶
رده‌بندی دیوبی : ۲۹۵ / ۸۲
شماره کتاب‌شناسی ملی : ۹۱۸۳۷۰۳
اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی: فیپا



دفتر: اندیشه، فاز ۵، خیابان بهشتی، مجتمع الهیه، بلوک ۴، واحد ۸

تلفن: ۷۷۲۰۷۰۹۴ تلفن همراه: ۰۹۱۹۳۳۹۰۲۳۴

barsam_publishing

اوستا

یسنا، ویسپرد، یشت‌ها

ویشتاسپ یشت، سی‌روزه، وندیداد

متن اوستایی: تصحیح وسترگارد

ویراستار متن اوستایی: نیلز لوودویگ وسترگارد

نویسنده مقدمه: نیلز لوودویگ وسترگارد

مترجم مقدمه: فریدون فضیلت

ناشر: نشر برسم

آماده‌سازی: هوخت پارسی

چاپ نخست: بهار ۱۴۰۲

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۳۸-۳۱-۳

کلیه حقوق و امتیازات کتاب محفوظ است.

نشر برسم

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان

دیباجه^۱

نویسنده: نیلز لوودویگ وستِ رگازد

مترجم: فریدون فضیلت

اگر چه دین «آشو» زرتشت، از اعصاری بس دور، از نسلی به نسلی منتقل شده است، و از مسیر همه گونه تغییر در زمان، به روزگار ما رسیده است و هنوز دارای پیروانی در ایران و هند است، با این همه، کتاب‌هایی که در بر گیرنده سنت‌ها و روایات کاش‌اند، تا آن جاکه ما می‌دانیم، البته در شماره اندک‌اند و از گستره‌ی «بحثی» کمی برخوردارند. این نوشتارگان در دو زبان تألیف شده‌اند. یکی، که اکنون مألوف هستیم که به آن نام زند بدهیم، اگر چه با بی‌دقتی، و به یک دوره‌ی بس کهن متعلق است و شامل قدیمی‌ترین متون است؛ دیگری، عموماً پهلوی خوانده می‌شود، از خاستگاهی جدیدتر است، و در ترجمه‌ی همین متون «کهن» و در «تألیف» برخی دیگر آثار «کهن» استفاده شده است.

در این مجلد، سر آن داشته‌ام تا همه‌ی متون کهن یا متون زند هنوز موجود را جمع‌آوری کنم، و امید دارم که این «ارزو» پایه‌ریزی شود تا پی‌برده شود از کدام زمان این نوع «متون» به جای مانده است، یا دست کم هر کاری که «لازم است و» از اهمیت برخوردار است «بررسی شود». دست‌نویس‌هایی که در بر گیرنده‌ی این متون‌اند، و من از آن‌ها استفاده کرده‌ام، قبل از همه و عمدتاً گردآمده‌ی (= مجموعه‌ای) بی‌نظیر‌اند، که اکنون موجود در کتاب‌خانه دانشگاهی کپنهاگ‌اند، و اراسموس راسک آن‌هم در یک سفر علمی - «تحقیقی» در بمبئی در سال 1820 موفق به دست‌یابی به آن‌ها شد. این‌ها را من در الحاقیه بر کاتالوگ دست‌نوشته‌های هندی موجود در کتاب‌خانه سلطنتی، در کپنهاگ به اختصار گزارش کرده‌ام، که مایل‌ام به آن «کاتالوگ» در خصوص شکل برونی و وضع و حال آن «متون» ارجاع دهم. سوای چند دست‌نویس متعلق به خودم، هم‌چنین مفتخر شده‌ام در منزل شخصی‌ام به راحتی بهره‌گیرم از آن «دست‌نویس»‌هایی که به دوست‌ام دکتر جان ویلسون از بمبئی متعلق است. هم‌چنین کمابیش، در طی یک سفر کوتاه به خارج به همان منظور، در بهار 1850، مجموعه و دست‌نویس‌های منفردی را که در مؤسسه‌ی هند شرقی و در بریتیش - موزیوم نگه‌داری می‌شوند مورد بررسی قرار داده‌ام، در دو کتاب‌خانه‌ی آکسفورد، در کتاب‌خانه‌ی سلطنتی، پاریس، و آن «دست‌نویس»‌هایی که متعلق‌اند به یوجین بورنوف که مرگ زود هنگام‌اش نیز دو سال پس از آن «سفر تحقیقی» یک فقدان ناشکیبایی برای شاخه‌ی ایرانی فیلولوژی (= فقه‌اللغة) شرقی بود.

برخی نوشتارگان یا متون مورد بحث چندین قرن پیش در تنسیقی که امروزه به نظر می‌رسند، مرتب و منظم شده‌اند، ولی آن‌ها از قرار معلوم هرگز در یک مجموعه‌ی مقدس گردآوری نشده‌اند، که در آن «مجموعه» هر سند «دینورانه» جایگاه ثابت خود

۱. متن اصلی مقدمه‌ی وستِ رگارد به زبان انگلیسی در بخش لاتین کتاب موجود است.

را دارا باشد به همان گونه که در کتاب مقدس ما <مسیحیان به چشم می‌خورد>. اگر چه دو کتاب نامیده به وندیداد ساده و خرده اوستا بارها گفته شده که حاوی کل نوشتارگان زند است، با این همه، اولی (= وندیداد ساده) فقط صورت‌بندی (= مظهری) از سه کتاب متفاوت یسنا، ویسپرد و وندیداد نیست، بلکه یک چینش / ترتیب‌بندی برای کاربرد عبادی از فصل‌های (= فرگردهای) شان است، که به کمک فقراتی تکمیلی برای تکرار ساده‌ی اغلب بخش‌ها جمع آورده شده‌اند؛ در جایی که دست‌نویس‌های مختلف و ویراست‌های چاپی‌ای که خرده اوستا را در بر دارند فقط در طرح عمومی <کتاب خرده اوستا> متوافق‌اند؛ <ولی> در اعتبار و توالی محتواهای شان، <محقق> مواجه با تنوع (= واریانس) بس بالایی می‌شود.

لذا بی‌آن که خود را به برخی توالی‌های مانده از گذشته یا جافتاده‌ی برخی نوشتارگان ملزم کنم، می‌توانم این نوشتارگان را در همان نظم <از پیش‌مانده> به‌دست دهم، که به‌نظم مناسب‌ترین می‌آید. ولی همین که تصمیم گرفتم با یسنا بی‌اغازم، - هم به دلیل محتوای عمده‌شان که در گویش خاصی تألیف شده است، و هم به دلیل این که برخی مواقع در دیگر نوشتارگان بازنویسی می‌شود، - <متوجه می‌شویم> ترتیب <و توالی> باقی <ها> یا فرگردها <بدین‌سان اغلب تعیین شده <از پیش> اند. ویسپرد که بسی شبیه به نخستین بخش یسنا است، به‌گونه‌ی هنجارین، جای بعد <از یسنا> قرار می‌گیرد، درجایی که، دو تا از یشت‌ها، <یعنی> <هوم یشت و سروش یشت>، با آن که بخشی از یسنا را شکل می‌دهند، و دیگر <یشت>ها بر این مبنا لازم است درست و سر راست از <نظم و نسق> کتاب پیروی کنند. از این یشت‌ها، بیست تای نخست را (از یشت یکم تا بیستم، در هم‌سویی با چینش چاپ خرده اوستا ارائه کرده‌ام، بمئی 1842، که بزرگ‌ترین گردآمد از این نوع را دربرمی‌گیرد، و <در گردآمد خود> به سبب محتوای‌های شان، دو یا سه قطعه را (یشت 21 تا 22) برافزوده‌ام، به‌همان گونه که <قطعات> شناخته شده‌ی آفرین - پیغمبر - زرتشت و ویشتاسپ یشت (یشت یکم - یشت‌های 23 - 24) <برافزوده‌ام>. متصل به این‌ها از نظر محتوا و شکل، بخش‌هایی کوچک‌تراند، که زیر نام‌های نیایش، نیرنگ، آفریگان، با آفریگان، گاه، باج و سسی روزه، آند و جبا آن‌ها <در خرده اوستاهای مختلف مواجه می‌شویم>؛ این‌ها لذا <از نظر چینش> در پی یشت‌ها می‌آید، تا آن‌جا که آن‌ها یک متن متمایز یا موردی را ارائه می‌دهند که کلمه‌به‌کلمه برکشیده شده از دیگر نوشتارگان نیست. با چنین آرایش <و چینشی> وندیداد جای واپسین را اشغال می‌کند، ولی من اول از همه باید درباره‌ی آن سخن بگویم، و نسخ خطی‌ای را که <درباره‌ی وندیداد> به‌کار گرفته‌ام، مورد بررسی نهم.

<از آن میان>، به دست‌نویس‌هایی که دربرگیرنده‌ی وندیداداند، و توسط پروفیسور اشیگل، در ویراست ارزش‌مندش از این کتاب، پذیرای ارجاع قرار گرفته‌اند، <یعنی> بر دو دسته‌ی (= کلاس) مستقل <از آن دست‌نویس‌ها>، بر آن‌ها یک <دسته‌ی> سوم هم باید افزوده شود. نخستین از این دسته‌ها شامل دست‌نویس‌هایی که متن را باهمانه به همراه ترجمه‌ی پهلوی فرادست می‌نهند، و از میان این‌ها K1 و L1 بی‌هیچ تردید کهن‌ترین دست‌نویس‌های‌اند، ولی متأسفانه امروزه در وضعیت کامل <و مناسبی> نیستند. دست‌نویس K1 آغاز <متن> را تا 5.26 فاقد است، و علاوه بر این‌ها به نحو چشمگیری دچار تخریب <متن> شده است، لذا، مشخصاً در میانه <ی متن>، بسیاری از برگ‌نوشت‌ها، برخی خیلی و برخی کم، از دست رفته‌اند. <دست‌نویس> L1 هشت فصل / فرگرد نخست به استثنای بخشی از فرگرد سوم و چهارم را (3.13 - 4.29) فاقد است، و علاوه بر این‌ها برخی برگ‌نوشت‌ها از <بخش> پایانی مفقود شده است، هر چند باقی بخش از نظر حفظ <متن> به نسبت K1 در وضعیتی به‌تر است. مطابق افزوده‌های سپس‌تر، آن دست‌نویس توسط هیربد رستم مهربان در شهر کامبایط (Kambāyēt) برای هیربدزاده کی‌خسرو بازنویسی شده است، که باهم یعنی با رستم به هند آمدند (از ایران، همان گونه که K5 نقل می‌کند)، و دست‌نویس <مذکور>

در 24 آمین روز از چهارمین ماه یزدگردی 693 (حدود 1323 پس از زایش) به اتمام رسیده است. از آن جاکه دست‌نویس L1 فاقد آخرین برگ‌نوشت است، پی‌آمدش این است که امروزه نادار نشانه‌ای از نام کاتب و زمان کتابت است؛ ولی، تا آن جاکه می‌توانم داوری کنم، این دست‌نویس باید منسوب به خود همان هیرید رستم باشد، و شکی ندارم که هر دوی دست‌نویس‌های K1 و L1 حقیقتاً به دوره‌ای برمی‌گردند که در دست‌نویس K1 اظهار شده است. هیچ‌یک از آن‌ها نتواند سرراسته از روی آن یکی دیگری استنساخ شده باشد؛ این از رهگذار تفاوت‌ها در ازقلم‌افتادگی‌های کم اهمیتی که جای‌جای در هر دو دست‌نویس یافت می‌شود، آشکار گردیده. ولی همانندی‌شان در تکرار اغلاط، اضافات و ازقلم‌افتادگی‌شان، بیش و کم، در آشفته‌نویسی‌های اتفاقی، و قرائت‌های غیر دقیق و نامتعارف‌شان، آشکارا اثبات می‌کند که هر دو دست‌نویس، در سامانی بس دقیق از یک منشأ «مکتوب» استنساخ شده‌اند.

شود. یک بی‌نظمی مشابه ولی پدیده‌دارتر در 18.7.51 یافت می‌شود، پس از آنی که هر دوی متن و ترجمه‌ی فقرات 18.32.58 سربه‌سر مفقود شود. دلیل این «بی‌نظمی» و نواقص‌اش در متن اصلی «مورد استنساخ» قرار داشته است، و گستره‌ی بخش‌های جابه‌جا شده نشان از این دارند که، بخش‌های نظیر از نسخه‌ی خطی قدیمی دارای ده برگ‌نوشته بوده است، که از آن ده تا، شش برگ‌نوشته میانی (3.8) بایستی پیش از این به طور اتفاقی در آغاز قرار گرفته باشد، سپس برگ‌نوشته دومی و نهمی، و دست آخر، برگ‌نوشته آغازین «جابه‌جا شده باشند»، در جایی که برگ‌نوشته دهمی، که به نحو اساسی قطعاً منطبق است با برگ‌نوشته آغازین، در آن موقع قبلاً سربه‌سر مفقود شده است. این «مفقودشدگی» از مرکز توجه استنساخ‌کننده گریخته است؛ او (رستم، مهیار یا اردشیر) با همان بی‌نظمی‌ای که در آن «متن مورد استنساخ» را یافته است، «آن را» بازنویسی کرده است؛ بنابراین، چیزی «در بازنویسی» از قلم نیافتاده است بلکه در مندرجات برگ‌نوشته‌ها از قبل از دست رفته بوده است.

متن اصلی «اولیه» هم‌چنین یک ورق را قبل از آنی که نسخه‌برداری شود از دست داده است، و بی‌هیچ‌شکی همین سر‌نوشته بر سر برگ‌نوشته‌ی رفته است که حاوی متن و ترجمه‌ی فقره‌ی 19.41.11 است. بنابراین، یقیناً نتیجه‌گیری‌ای جسورانه «و خارج از قاعده» نخواهد بود اگر ما فقدان همه‌ی فرگرد / فصل دوازدهم، متن و ترجمه را، به یک از دست‌رفتگی تصادفی مشابه در متن اصلی «مورد استنساخ» نسبت دهیم، «چنان‌چه» اگر متعاقباً فرض کنیم که این فصل / فرگرد به قصد، ندیده گرفته نشده «و بازنویسی نشده است»، بلکه قبل از آن در نسخه‌ی «مورد نظر» بوده «که از دست رفته» است به‌همان‌گونه «می‌توان فرض گرفت» که در باقی «رونوشته‌ها نیز موجود نبوده است»، و به‌واقع از قلم افتادگی این فرگرد / فصل دوازدهم در شماره‌زنی همه‌ی آن‌چه که در ادامه «ی آن نسخه» می‌آید، بی‌تأثیر است. مطابق یک نقل‌خبر در هند، که توسط آنکیتیل گزارش شده است، همه‌ی دست‌نویس‌ها (= نسخ)، که در آن‌جا موجودند (یا از آن‌جا به اروپا برده شده‌اند)، که نیز حاوی وندیداد با ترجمه‌ی پهلوی آن‌اند، از دو دست‌نویس از همان متن اصلی «مورد اشاره» منشأ گرفته‌اند (مقایسه کنید با P. 4, note 1)، و ساختار این نسخ، تا آن‌جا که شناخته شده هستند، به‌تمام در تأیید صحت این نقل‌خبرند. دکتر اشپیگل خاطر نشان کرده است که دست‌نویس P2 (نریوسنگ. مکمل 2، که با کاراکتر C در اثر‌اش مشخص کرده است)، که توسط هیرید داراب پسر فرهامروز به سال 1127 یزدگردی (1758 پس از زایش) رونویسی شده است، رونویسی بس دقیق از دست‌نویس K1 است، که یا با خود دست‌نویس L1 مقابله شده، یا شاید عمدتاً با یک دست‌نویس «بلا‌فصل از روی» آن «مقابله شده است»، متعلق به زمان «حضور» آنکیتیل که آن‌جا برای دستور موبد بیخ (= Bikh) در «بندر» سورت باقی می‌ماند، این دست‌نویس (P2) بنا بر این از اهمیت خاصی برخوردار است برای پر کردن «فقرات» خالی آن‌چه که پس از آن در دو دست‌نویس اصلی «و اولیه» از قلم افتاده (= مفقود شده) است. در نتیجه، از «تبار» دست‌نویس P2 و مقابله‌ی با آن، قطعه‌ی مختصر باز مانده‌ی K3b، حاوی فرگرد 1.1.2.18، از دست‌نویس K1 منشأ می‌گیرد، و این محتملاً همان موردی است که در دست‌نویس K3a «سراغ داریم»، که فرگرد 1.1.2.33 را دربردارد، اگرچه آن دارای شمار کمی قرائت‌های موافق از اثر مقابله با دست‌نویس P2 و با P10 است (که توسط دکتر اشپیگل با کاراکتر F مشخص شده است). آنچه که امروزه در نسخه‌ی قدیمی L1 مفقود است، توسط کاتبی بعدی تکمیل «و پر شده است»، ولی در حال حاضر من نمی‌توانم اظهار بدارم توسط کدام منبع. - ترجمه‌ی پهلوی در سرزمین هند در یک تجدید نظر متأخر پذیرای بازنگری قرار گرفته است. مطابق فقره‌ی «اظهاری» آنکیتیل، دستور جاماسپ، که در آغازهای سده‌ی هیزدهم از کرمان به گجرات رفته است، ترجمه‌ی «پهلوی» وندیداد را پذیرای بررسی نهاده است، همانی را که آنان در آن‌جا «در دسترس» می‌داشتند، و «آن ترجمه را» بس دراز‌گویانه (= مطول) و «به همان اندازه» در برخی فقرات کم‌تر دقیق یافته‌اند.